

مجله پژوهش در آموزش زبان و ادبیات عرب

دوره چهارم، شماره پنجم، پاییز ۱۴۰۱

واکاوی سبک‌شناسانه در قصیده‌ی «الجسر» از محمود درویش براساس ادبیات پایداری

✽ سمانه دهقانی^۱

رضا ناظمیان^۲

چکیده

سبک‌شناسی علمی است روش‌مند که بر فهم متن تکیه دارد و در پی آن است تا از طریق بعد لغوی متن و درک روابط اجزای داخلی آن، ارزش زیبایی‌شناسی ساختار متن را کشف کند. شعر «الجسر» از دیوان «حیبتی تنهض من نومها» از محمود درویش است. در این قصیده موضوعاتی از جمله اصرار به بازگشت به وطن، آشکار کردن جنایت صهیونیست‌ها و ذکر مشکلات مردم فلسطین در راه بازگشت به وطن خود را شامل می‌شود. این پژوهش بر آن است تا با روش توصیفی-تحلیلی این شعر محمود درویش را در سه سطح سبک‌شناسی زبانی، فکری و ادبی تحلیل و بررسی کند. در سطح زبانی تلاش شده است با تحلیل سطح آواها، موسیقی، واژگان و نحو، زیبایی‌های این شعر مورد ارزیابی قرار گیرد. همچنین سعی شده است تا در سطح فکری مهم‌ترین محورهای افکار شاعر تبیین شود و در پایان در سطح ادبی شعر را به لحاظ وجود مؤلفه‌هایی چون استعاره، کنایه و رمز بررسی و تحلیل کند. در نهایت با بررسی این سطوح تبیین گردید که شاعر، زبان شعری خود را متناسب با بیان افکار خود قرار داده است و برای ذکر هر یک از این افکار، زبان و ادب را به خدمت خود می‌گیرد و آن پیام را به مخاطب خود می‌رساند. شاعر تمامی این قابلیت‌های موجود در زبان را به جهت القای پایداری فلسطینیان در برابر صهیونیست‌ها و بازپس‌گیری سرزمین خود به کار گرفته است.

کلیدواژه‌ها: سبک‌شناسی، محمود درویش، الجسر، وطن، ادبیات پایداری.

^۱ کارشناسی ارشد، زبان و ادبیات عربی، دانشکده ادبیات، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران،
samanehdehghan765@gmail.com

^۲ دکترای تخصصی، زبان و ادبیات عربی/ دانشکده ادبیات و زبان‌های خارجی/ دانشگاه علامه طباطبایی/ تهران/ ایران،
reza_nazemian2003@yahoo.com

تاریخ ارسال ۱۴۰۱/۰۱/۲۹ تاریخ پذیرش ۱۴۰۱/۰۹/۰۸

۱. مقدمه

در اندیشه و تفکر بشر، ادبیات جایگاه برجسته و مهمی دارد. در این رهگذر، سبک‌شناسی از این جنبه که به بررسی وجه‌های زبانی، فکری و ادبی متون می‌پردازد، بیش‌ازپیش موردتوجه قرار گرفته است. قصیده‌ی «الجسر» سروده‌ی محمود درویش، مضامین گسترده‌ی پایداری ملت فلسطین را در برمی‌گیرد. بررسی ارتباط میان این مضامین و جنبه‌های ادبی و زبانی این سروده که بیان‌کننده‌ی دغدغه شاعر و تلاش او برای آگاهی است، سبب شده تا پژوهش پیرامون این مقاله را در اولویت خود قرار دهیم.

یکی از ساده‌ترین و درعین‌حال عملی‌ترین راه‌ها برای بررسی متنی به لحاظ سبک‌شناسی این است که بتوانیم آن را از سه دیدگاه زبان، فکر و ادبیات مورد دقت قرار دهیم تا بتوانیم به اجزای متشکله‌ی متن اشراف پیدا کنیم و ساختار متن را با توجه به رابطه‌ی اجزا با یکدیگر دریابیم (شمیسا، ۱۳۷۳: ۱۵۳ تا ۱۵۸).

در ادبیات پایداری، با برترین پیام‌های انسانی از جمله ترسیم چهره‌ی مظلوم و ستم‌دیده، وطن‌دوستی، آزادگی، حق‌خواهی، عدالت‌طلبی، ستم‌ستیزی، نوع‌دوستی، پایمردی، ایثار و... روبه‌رو هستیم (محمودی و هاشمی، ۱۳۹۵: ۷۲). نویسندگان و شعرای فراوانی از دیرباز مضامین مقاومت را در اشعار خود جای داده‌اند. در فلسطین اولین بار غسان کنفانی با کتاب «ادبیات مقاومت فلسطین» این مضامین را به کار برد (اسکندری، ۱۳۷۶: ۷۹). ادبیات پایداری، نقاب از چهره‌ی دشمن برمی‌دارد و خطرهای آشکار و پنهان را در پیش روی ملت‌ها ترسیم می‌کند و باعث افزایش آگاهی قومی و حفظ هویت ملی آن‌ها می‌شود (شکری، ۱۹۷۹: ۱۰-۱۱).

شعر «الجسر» (پل) سروده‌ی محمود درویش در سال ۱۹۷۰ از دیوان «حیبتی تنهض من نومها» (محبوبم از خواب برمی‌خیزد)، در ظاهر داستانی ساده اما در معنای دلالتی پیچیده دارد. این شعر موضوعاتی از جمله اصرار به بازگشت به وطن، آشکار کردن جنایت صهیونیست‌ها و ذکر مشکلات مردم فلسطین در راه بازگشت به وطن خود را شامل می‌شود (شبلول، ۱۴۰۶: ۳۶ و ۳۷).

بررسی سبک‌شناسانه در پی آن است تا از طریق بعد لغوی شعر و درک روابط اجزای داخلی آن، ارزش زیبایی‌شناسی ساختار شعر را کشف کند. همچنین این نقد با بررسی زبان، فکر، ادبیات به اجزای تشکیل‌دهنده‌ی این شعر اشراف پیدا می‌کند و موجب درک بهتر افکار شاعرانه می‌شود. بنابراین بررسی و پژوهش پیرامون این شعر از دید نقد سبک‌شناسانه دارای اهمیت است.

این پژوهش در نظر دارد با بررسی سبک‌شناسانه‌ی شعر «الجسر» محمود درویش به سؤالات زیر پاسخ دهد:

۱) عناصر سبک‌ساز قصیده‌ی الجسر کدام هستند؟

۲) محمود درویش در این شعر چگونه مفهوم پایداری و مقاومت را منعکس کرده است؟

پیرامون محمود درویش تاکنون پژوهش‌های فراوانی انجام شده است. این پژوهش‌ها در حوزه‌ی نقد اشعار او و بررسی پیرامون مفهوم خاص در اشعار او و یا به صورت تطبیقی و... صورت گرفته است. از جمله‌ی پژوهش‌های مرتبط با نقد اشعار او می‌توان به این موارد اشاره کرد:

- کتاب «محمود درویش شاعر الأرض المحتلة» (رجاء النقاش، ۱۹۷۱).

در این کتاب، نویسنده به بیان افکار محمود درویش در خصوص مفهوم پایداری و مقاومت پرداخته است و ابعاد گوناگون این موضوع را از جنبه‌های مختلف بررسی کرده است. نویسنده شاهد مثال‌های شعری گوناگونی را از محمود درویش در ضمن هر مؤلفه‌ی فکری بیان کرده است.

تفاوت این پیشینه با پژوهش پیش رو تمرکز نویسنده بر بیان جنبه‌های گوناگون تفکر پایداری در اشعار محمود درویش بدون اشاره به قصیده‌ی خاصی از شاعر است؛ اما در این پژوهش قصد داریم قصیده‌ی «العجسر» از محمود درویش را بر اساس اصول سبک‌شناسی مورد بررسی قرار دهیم.

- مقاله‌ی «قراءة سیمائیة دلالية فی «اطوار انات» للشاعر محمود درویش» (عایب، ۲۰۱۷).

این پژوهش در حوزه‌ی نقد نشانه‌شناسی پیرامون شعر «اطوار انات» محمود درویش است. تفاوت این پژوهش با پژوهش پیش رو در انتخاب روش نقدی متفاوت است.

- «قصیده بطاقت هویة لمحمود درویش - مقاربه اسلوبیة» (طیبی و مسعودی: ۲۰۱۵).

در این پژوهش نگارندگان همت خود را به پژوهش پیرامون قصیده‌ی شعر هویة محمود درویش از دید نقد سبک‌شناسی گمارده‌اند. این پژوهش پس از معرفی روش نقدی خود و معرفی شاعر، قصیده‌ی مورد نظر خود را از ابعاد و سبک‌های مختلف از جمله سطوح زبانی، بلاغی، آوایی، نحوی و... بررسی کرده است. در این خصوص، تفاوت روش نقدی و تفاوت شعر این پژوهش و پژوهشی را که در صدد بررسی آن هستیم، می‌بینیم.

- مقاله‌ی «نشانه‌شناسی سروده‌ی الارض محمود درویش با تکیه بر نظریه‌ی نشانه‌شناسی گریماس» (نظری و نجفی: ۱۳۹۸).

در این مقاله اهتمام نگارندگان بر نقد نشانه‌شناسی بر پایه‌ی دیدگاه آلژیرداس گریماس^۱ بوده است. در این مقاله پژوهش پیرامون شعری متفاوت از قصیده‌ی مورد نظر این پژوهش صورت گرفته است و به لحاظ روش نقدی نیز تفاوت دارد.

- مقاله‌ی «سبک‌شناسی سروده‌های محمود درویش» (رحمانی راد، آباد و ایمانیان بیدگلی: ۱۳۹۳).

در این پژوهش، نگارندگان پس از ارائه‌ی مباحث نظری پژوهش، شعرهای محمود درویش را از جنبه‌ی سبک‌شناسی از جمله سطح زبانی، سطح لغوی یا سبک‌شناسی واژه‌ها، سطح فکری و سطح ادبی مورد بررسی قرار داده‌اند. در این مقاله نگارندگان شعرهای محمود درویش را به صورت کلی مورد بررسی قرار داده‌اند و از جنبه‌ی سبک‌شناسانه آن را تحلیل کرده‌اند. از این رو شاهد تفاوت موضوع پژوهش مذکور با پژوهش پیش رو هستیم.

- مقاله‌ی «سبک‌شناختی قصیده‌ی لایع النرد محمود درویش» (خاقانی اصفهانی و اکبری موسی آبادی: ۱۳۸۹).

در این مقاله نگارندگان به بررسی این قصیده‌ی محمود درویش در سطوح سه‌گانه‌ی سبک‌شناسی یعنی سطح فکری، ادبی و زبانی پرداخته‌اند. در این پژوهش نگارندگان قصیده‌ی «لایع النرد» محمود درویش را مورد بررسی سبک‌شناسانه قرار داده‌اند و بدین جهت شاهد تفاوت موضوع پژوهش با پژوهش پیش رو هستیم.

^۱ Algirdas Julien Greimas

به‌صورت کلی می‌بینیم که در خصوص شعر «الجسر» محمود درویش تاکنون پژوهشی صورت نگرفته است. این پژوهش در پی آن است تا با بررسی سبک‌شناسانه‌ی این قصیده، این جای خالی را پر کند و افکار شاعر و اندیشه‌های او را برای مخاطبان آشکار کند.

۲. مبحث نظری

۱.۲. سبک‌شناسی

سبک وحدتی است که در آثار کسی به چشم می‌خورد. به‌عبارت‌دیگر، این وحدت منبعث از تکرار عوامل یا مختصات است که در آثار کسی وجود دارد و توجه خواننده‌ی دقیق و کنجکاو را جلب می‌کند. زمینه‌ی مشترک یعنی سبک فقط منوط به عوامل لفظی (زبانی) نیست، بلکه در تفکر و بینش هم وحدت یا تکرار عوامل و عناصر خاص اندیشگی وجود دارد. سبک انواعی دارد و داستان و تاریخچه‌ای؛ از اینجاست که مجموعه مباحثی به نام سبک‌شناسی به وجود آمده است (شمیسا، ۱۳۷۳: ۱۳-۱۷).

پدر سبک‌شناسی نوین «شارلی بارلی» است. این علم از قرن هجدهم به‌عنوان یک علم مستقل شناخته شده است (همان: ۳۱). اهداف سبک‌شناسی عبارتند از تشخیص سبک دوره‌های مختلف ادبیات، تعیین سبک فردی نویسندگان و تشخیص سبک ادبی (همان: ۶۹-۷۰).

سطوح سه‌گانه‌ی سبک

برای تجزیه و تحلیل متنی به لحاظ سبک‌شناسی، بررسی زبان، فکر و ادبیات آسان‌ترین و کاربردی‌ترین آن‌هاست. نخستین سطح، سطح زبانی است که به سه سطح کوچک‌تر آوایی، لغوی و نحوی تقسیم می‌شود. دومین سطح، سطح فکری است که متن را از جنبه‌ی درون‌گرایی، بیرون‌گرایی، غم‌گرایی، شادی‌گرایی، بدبینی، خوشبینی، دیدگاه و تفکرات شاعر و... بررسی می‌کند. سطح سوم سطح ادبی است که در آن مسائل علم بیان همچون تشبیه، استعاره، رمز، کنایه و مسائل بدیعی همچون ابهام و تناسب و همچنین علم معانی همچون ایجاز، اطناب، قصر و حصر بررسی می‌شود (شمیسا، ۱۳۷۳: ۱۵۳ تا ۱۵۸).

۲.۲. محمود درویش و شعر الجسر

محمود سلیم درویش، شاعر و نویسنده‌ی فلسطینی که از سرشناس‌ترین شعرای مقاومت فلسطین به‌حساب می‌آید، در ۱۳ مارس سال ۱۹۴۱ میلادی در روستای البروة در نزدیکی عکا متولد شد (درویش، لاتا: ۴). به علت مبارزات سیاسی در میهن خویش، پنج بار به دست صهیونیست‌ها گرفتار شد. همزمان با مبارزات سیاسی خود، فعالیت ادبی را به شکل گسترده‌ای آغاز کرد. از آثار او می‌توان به عصفیر بلا اجنحه، عاش من فلسطین و... اشاره کرد (رستم پور ملکی، ۲۰۰۵: ۲۰).

شعر محمود درویش از جنبه‌ی آسانی عبارات، شمولیت مضمون و عمق تفکر تمایز می‌یابد. تأثیرگذار بودن محمود درویش در جنبش شعر معاصر عربی و مضمون پایداری در اشعارش، او را پرچم‌دار شعرای مقاومت کرده است (درویش، لاتا: ۵).

این شعر در حقیقت تصویری از مشکلات و مصائب یک خانواده‌ی فلسطینی سه نفره است. این خانواده به دلیل ظلم صهیونیست‌ها و غضب وطنشان از میهن خود دور افتاده‌اند و در پی بازگشت به وطن خودند. این خانواده‌ی فلسطینی نمادی از تمامی خانواده‌های مصیبت‌دیده‌ی فلسطینی است که در پی به دست آوردن آزادی خود و سرزمینشان هستند. شاعر در ابتدای این شعر با زبانی وصفی بیان می‌دارد که این خانواده‌ی فلسطینی تمام تلاش خود را برای بازگشت به وطن خود می‌کنند و به هر روش ممکن در پی بازگشت به میهن خود هستند و در این راه حتی طبیعت نیز به یاری‌شان می‌شتابد. در اواسط شعر شاهد عنصر گفت‌وگو میان پدر خانواده و فرزندش هستیم. پدر پیر این خانواده از دغدغه‌هایش برای وطن خود صحبت می‌کند و دختر این خانواده نیز از آرزوهای خود برای بازگشت به وطن سخن می‌گوید. در ادامه شاعر از مشکلات آنان برای بازگشت سخن به میان می‌آورد. پدر تمام تلاش خود را برای حفظ جان خانواده‌ی خود می‌کند و از سربازان اسرائیلی می‌خواهد او را بکشند اما خانواده‌اش و دخترش را به قتل نرسانند. در انتهای قصیده، پیرمرد با حرکت اسلحه‌ی سرباز صهیونیست از روی پل سقوط می‌کند و مانند بسیاری از فلسطینیان به قتل می‌رسد. شاعر در پایان قصیده‌ی خود بر این اعتقاد است که عشق و محبت این مرد به خانواده و وطن خود فراتر از هر مفهوم دیگری است. در این شعر، شاعر معتقد است همان‌طور که هر شیء به اصل و ریشه‌ی خود بازمی‌گردد، انسان نیز باید به وطن و ریشه‌ی خود بازگردد و ناچار به تحمل مشکلات پیش رویش است حتی اگر این موضوع به قیمت جانش تمام شود. همچنین روحیه‌ی مبارزه‌طلبانه‌ی شاعر برای به دست آوردن آزادی سرزمین خود آشکار است.

۲,۳. لایه‌های سبک‌شناسی شعر «الجسر»

۲,۳,۱. لایه‌ی زبانی

اولین لایه از سطوح سبک‌شناسی، لایه‌ی زبانی است که به سه سطح کوچک‌تر آوایی، لغوی و نحوی تقسیم می‌شود.

یک) لایه‌ی آوایی یا سبک‌شناسی آواها

به لایه‌ی آوایی می‌توان لایه‌ی موسیقایی متن نیز گفت، زیرا در این مرحله متن به لحاظ ابزار موسیقی‌آفرین بررسی می‌شود. موسیقی بیرونی (کناری) از بررسی وزن، قافیه و ردیف معلوم می‌شود. موسیقی درونی متن نیز از صنایع بدیعی لفظ همچون سجع، انواع جناس و انواع تکرار به وجود می‌آید (شمیسا، ۱۳۷۳: ۱۵۳).

الف) موسیقی بیرونی

این قصیده بر یک موسیقی واحد تکراری تکیه دارد. تفعیله‌ی واحدی را در سطور شعری شاهد هستیم. تفعیله‌ی قصیده متفاعلن و مستعلن است و شاعر با این تفعیله، قصیده را پیش برده است.

شاعر گاهی از قافیه‌هایی بهره برده است که متناسب با عواطف شاعرانه‌ی خود و قصد شعری خود است، به طوری که در ابتدای شعر از قافیه‌ی متکی بر دال مضموم استفاده کرده است: نعوذُ، تقوؤُ، ویدؤُ.

استفاده‌ی شاعر از حرکت ضمه به دلیل قصد خود مبنی بر احساسات و اصرار برای بازگشت هم‌میهنان خود به فلسطین است.

همچنین شاعر در بخش دیگری از شعر خود از قافیه‌ی بین (التدخین، الطیبین، السنین، الإثین) استفاده کرده است: «و برغم أن القتلُ كالتدخین... / قذفته أمعاء السنین»^۱ (درویش، ۲۰۰۶: ۳۶۷).

می‌توان گفت استفاده‌ی شاعر از این قافیه، علاوه بر آهنگین کردن شعر، برای تأثیر بیشتر بر مخاطب خود از جنبه‌ی حماسی کردن سروده‌ی خود است. تناسب میان این قافیه و این کلمات نیز می‌تواند ناشی از قصد شاعر مبنی بر ایجاد تناسب میان افکار خود و بر زبان آوردن قصد و هدف خود برای منتشر کردن ظلم صهیونیست‌ها باشد.

(ب) موسیقی درونی

موسیقی درونی ناشی از هماهنگی کلمات و هم‌جواری آن‌هاست (شفیعی کدکنی، ۱۳۶۸: ۵۱).

در مقطع اول این قصیده شاهد توالی حروف همس (ش، ح، ص، س) هستیم. حروف همس از جمله حروفی هستند که دارای صفات ضعیفند. در این قصیده، این موضوع با مضمون ابتدایی قصیده که دلالت بر حزن شاعر و اصرار برای بازگشت به وطن دارد هماهنگ است.

«مشیاً علی الأقدام / قالوا... و كان الصخرُ یضمُر / و المساءُ یداً تقوُد...»^۲

در بخشی از این شعر شاعر از حرف (ق) بیشترین استفاده را کرده است و در مقطع هشت بار این حرف تکرار شده است. حرف (ق) از جمله حروفی است که دارای صفات قوی است و دلالت بر جهر و شدت می‌کند. محمود درویش در این بخش از شعر با تکیه بر مقصود خود که بیان خشم و نفرت خود از استعمارگران است از این حرف بیشتر استفاده کرده است و از این جهت شاهد تناسب موسیقی حروف و اندیشه و مقصود شاعر هستیم.

«قَدِمُوا إِلَیْهِ... / مقهقهین / لا تقتلوها... اقتلونی و خلوها بدونی و خذوا... / فداها... / کلاً لحدیقه... / و النقود و کل أکیاس

الطحین و إذا أردتم، فاقتلونی»^۳

در بخش دیگری از شعر شاهد توالی و تکرار حرف ح هستیم. این حرف از جمله حروفی است که دارای صفات ضعیف است و نوعی از صفت استفال را به دوش می‌کشد. این تکرار متناسب با قصد و غرض شاعر است و پنج بار در این سطر شعری تکرار شده است. استفاده از این حرف به صورت پیوسته به سبب بیان غم و عواطف از سوی شاعر است. این حرف نشان از احساسات عمیق شاعر دارد و به نوعی این نکته را یادآوری می‌کند که شاعر در تلاش بوده است با تکیه بر این حروف این احساسات را به مخاطب خود نیز منتقل کند.

«حرس الحدود مرابط / یحمی الحدود من الحنین»^۴

^۱ علیرغم اینکه قتل مانند سیگار کشیدن است... / روده‌های سال‌ها و روزگار او را پرتاب کردند.

^۲ آن‌ها گفتند: پیاده بر روی پاها، یا سینه‌خیز بر روی دست‌ها بازمی‌گردیم و صخره‌ها از حرکت پیوسته‌ی ما ساییده می‌شوند و شبانگه برایشان دستی بود تا راه را به ایشان نشان دهد.

^۳ قهقهه‌کنان... نزدش آمدند / او را نکشید... من را بکشید و او را با من رها کنید / و فدایش کنید... هر باغی را... / و پول و هر همه‌ی کیسه‌های آرد را و اگر خواستید، من را بکشید.

^۴ این پلی است که همواره رویای وطن را دارد که مرزها از غرب در امان باشد.

در «و البنت التي صارت یتیمه»^۱ شاهد تکرار حرف ت هستیم. این حرف به جهت بار عاطفی این عبارت شامل صفات ضعف است و نوعی از صفت استفال را به دوش می‌کشد. این حرف در این سطر شعری چهار بار تکرار شده است. می‌توان گفت شاعر از این حروف نیز همچون حرف قبلی، در جهت مضمون شعری خود بهره برده است. شاعر این حروف را برای بیان همدردی و بیان احساسات عمیق و دردمندانه‌ی خود در خصوص این خانواده به کار برده است. درویش با استفاده از این حروف به نوعی احساسات مخاطب را نیز با خود همراه کرده است. در حقیقت خواننده با درک دردمندی شاعر با این جنبه‌ی زبانی با احساسات و قصد شاعر همراه می‌شود.

با بررسی عنصر جناس در این شعر، شاهد هستیم که در کلمات المعتدون و المرتدون و ذل و ظل جناس ناقص اختلافی وجود دارد.

دو لایه‌ی لغوی

مراد از سطح لغوی بررسی واژگان یک متن است. یکی از مهم‌ترین مسائل مطرح در سطح لغوی مسئله‌ی «تکرار» است. این عنصر یکی از عناصر مهم سبک‌ساز در شعر است و شاخصی جدایی‌ناپذیر در موسیقی شعر به شمار می‌آید به گونه‌ای که همین کارکرد اثرگذار آن باعث شده تا جایگاهی درخور توجه در شعر به دست آورد (نجفی ایوکی و همکاران، ۱۳۹۶: ۲۱۰).

با نگاهی کلی به قصیده‌ی «الجسر» محمود درویش به تکرار فراوان کلمات و صیغ پی می‌بریم. تکرار واژگان به شکل

زیر است:

واژه	نوع	تعداد تکرار	واژه	نوع	تعداد تکرار
جسر	کلمه	۱۰	لون	کلمه	۲
طریق	کلمه	۶	جندی	کلمه	۲
لحم	کلمه	۲	قتل	صیغ اشتقاقی	۱۰
قال	صیغ اشتقاقی	۵	الشیخ	کلمه	۴
بصق	صیغ اشتقاقی	۲	میه	کلمه	۳
صفه	کلمه	۲	حدود	کلمه	۲
نهر	کلمه	۶	عائدین	کلمه	۳
دم	کلمه	۳	الأمیره	کلمه	۲
تاریخ	کلمه	۷	منزل	کلمه	۲
موت	کلمه	۳	مقصله	کلمه	۴
یاسمین	کلمه	۲	الطلقة	کلمه	۲
حبیبی	کلمه	۳	الجریمه	کلمه	۳
حب	کلمه	۲	الصغیره	کلمه	۲
حنین	کلمه	۲	النجوم	کلمه	۲

با بررسی کلی عنصر تکرار در این شعر به این نکته پی می‌بریم که تکرار کلمات توسط شاعر بیش از تکرار فعل‌ها و صیغ به کار گرفته شده است. از آنجایی که وجود فعل و به‌خصوص تکرار فعل مضارع می‌تواند نشان از قصد شاعر مبنی بر حرکت و در جریان بودن نیز باشد. شاعر با استفاده‌ی فراوان از فعل به‌نوعی و به‌صورت مضمونی به مخاطب خود تلاش برای رهایی از ظلم را القا می‌کند.

تکرار دیگری که در سطح شعر مشاهده می‌کنیم تکرار در سطح عبارات است. در این شعر سه سطر شعری دو بار تکرار شده‌اند: «لیّ یا جنود»^۱، «لا تقتلوه... اقتلونی»^۲، «لم يعرفوا أن الطريق إلى الطريق دم و مصیده»^۳. اما سطور شعری که در آن‌ها شاعر از پل سخن گفته است و آن را به گیوتین یا ابزار کشتن تشبیه کرده است، سه بار تکرار شده‌اند:

«هذا الجسر، هذا الجسر مقصلة الذی...»^۴.

با تکیه بر این موضوع که تکرار واژگان و جملات نشان می‌دهد که آن معنا برای شاعر دارای اهمیت است، می‌توان به این موضوع اشاره کرد که محمود درویش با تکرار این کلمات و عبارات ذکر داستان خانواده‌ی فلسطینی در ضمن شعر خود، به دغدغه‌های خود برای بازگشت فلسطینیان به وطن خود و آزادی فلسطین و ظلم صهیونیست‌ها اشاره دارد. تکرار دوباره‌ی کلمه‌ی «الجسر» که عنوان شعر نیز هست این موضوع را تأیید می‌کند.

همچنین الفاظ و واژگان به کار گرفته شده از سوی شاعر دلالت بر حرکت و زندگی دوباره دارند؛ کلماتی چون مشیاً، زحفاً، نعود و نقود. این موضوع دلالت بر آرزوی شاعر مبنی بر بازیافتن آزادی میهن خود و بازگشت فلسطینیان به زندگی عادی خود دارد.

سه) لایه‌ی نحوی، بررسی افعال و اسالیب

بررسی نحوی، بررسی جمله از نظر محور هم‌نشینی و دقت در ساخت‌های غیر متعارف، کوتاه یا بلند بودن جملات و کاربردهای کهن دستوری از قبیل آوردن انواع یا ... است (شمیسا، ۱۳۷۳: ۱۵۵). به شکل کلی در این شعر شیوه‌ی روایت گونه و وصفی و گفت‌وگومحور در جریان است. به‌صورت کلی شاعر از افعال مضارع بیش از افعال ماضی استفاده کرده است که این موضوع بر حرکت و ادامه یافتن راه فلسطینیان در بازیافتن آزادی و سرزمین خود اشاره دارد، افعالی چون یقفون، یصلون، یمر و یحمی.

افعال	تعداد	درصد
افعال ماضی	۳۷	۴۲,۵٪
افعال مضارع و امر	۵۰	۵۷,۵٪

شاعر در شیوه‌ی وصفی خود از صفات و همچنین جملات اسمیه بهره برده است:

^۱ برای من ای سربازان...

^۲ او را نکشید، من را بکشید.

^۳ نمی‌دانستند که این راه همان راه خون است.

^۴ این پل، این پل گیوتینی است که ...

«کل الذین / کتبوا عن الدم والجریمة: فی هوامش دفتر التاریخ»^۱.

گاهی شاعر حال را صاحبش بر مقدم کرده است و این موضوع می‌تواند به جهت تأکید شاعر بر معنی و مفهوم به جهت بیان احساسات خود در اصرار برای بازگشت فلسطینیان به میهن خود باشد:

«مشیا علی الأقدام / أو زحفاً علی الأیدی»^۲.

«همسا من القرآن سورة»^۳.

محمود درویش به هنگام استفاده از شیوه‌ی روایت گونه از افعال ماضی و اسلوب خبری بهره برده است. این موضوع را در ابتدای شعر نیز می‌بینیم، به صورتی که شاعر شعر خود را با فعل «قالوا» آغاز می‌کند:

«قالوا... / وكان الصخر یضم / والمساء یداً تقوؤ...».

«یقفون عند الجسر... / كان الجسر نعساناً / و كان اللیل قبعه / و بعد دقائق یصلون»^۴.

به شکل کلی اسالیب خبری بیشتر از اسالیب انشایی توسط شاعر به کار گرفته شده است. اسالیب انشایی در قالب ندا (۲ بار)، نفی (۱۰ بار)، امر (۴ بار) و استفهام (۲ بار) ذکر شده است. استفاده‌ی فراوان شاعر از اسلوب خبری نیز می‌تواند ناشی از دغدغه‌ی شاعر برای آگاه کردن مخاطب خود در جهت برانگیختن مردم برای به دست آوردن آزادی خود و دفع هیمنه‌ی دشمن باشد.

۲،۳،۲. سطح فکری

در این سطح اثر ادبی از این جنبه بررسی می‌شود که آیا اثر درون‌گرا است و ذهنی است یا برون‌گرا و عینی، با بیرون و سطح پدیده‌ها تماس دارد و یا به درون پرداخته است، شادی‌گراست یا غم‌گرا، خردگراست یا عشق‌گرا؟ آیا نویسنده احساسات خاصی مثلاً احساسات ملی‌گرایانه یا مذهبی دارد؟ نویسنده بدبین است یا خوش‌بین؟ دید او نسبت به مسائلی از جمله مرگ، زندگی، عشق، صلح، جنگ و... چگونه است؟ (شمیسا، ۱۳۷۳: ۱۵۶ و ۱۵۷).

شاعر با انتخاب نام «الجسر» به معنای پل برای قصیده‌ی خود و تکرار ده‌باره‌ی آن به دنبال بیان تفکرات و دیدگاه‌های خود است. در حقیقت، «الجسر» یا «پل» همان راه مقاومت و بازگشت فلسطینیان به سرزمین خود است. به شکل کلی، «پل» نمادی برای وصل کردن است، اما شاعر در این قصیده پل را نمادی برای انفصال آورده است و همین موضوع تأثیر قصیده را دوچندان می‌کند. چنانچه در قصیده، این خانواده‌ی فلسطینی پیش از رسیدن به پل که راه بازگشت به کشورشان است مورد ظلم سربازان صهیونیست قرار می‌گیرند.

با بررسی کلی این شعر به این موضوع پی می‌بریم که شاعر افکارش را در سه محور بیان کرده است؛ یک: اصرار و امید به بازگشت به وطن، دو: آشکار کردن جنایت‌های صهیونیست‌ها در فلسطین، سه: عشق به وطن. از این رو هر یک از این افکار را به صورت جداگانه در زیر بررسی خواهیم کرد.

^۱ تمام کسانی که درباره خون و جرم: در حواشی دفتر تاریخ نوشتند.

^۲ پیاده بر روی پاها، یا سینه‌خیز بر روی دست‌ها.

^۳ در زیر لب سوره‌ای از قرآن را زمزمه می‌کرد.

^۴ در کنار پل می‌ایستند... / پل خواب‌آلود بود / و شب‌کلاهی فرنگی بود / و از پس از چند دقیقه نماز می‌خوانند.

شاعر از همان ابتدای شعر خود با سطور شعری گوناگون بر اصرار برای بازگشت به فلسطین تأکید می‌کند. عاطفه‌ی شاعر در این سطور، امید است و دیدی خوش‌بینانه دارد. «مشیاً علی الأقدام، أو زحفاً علی الأیدی». در حقیقت محمود درویش با این جملات تأکید می‌کند که به هر گونه‌ای که هست به وطن خود بازمی‌گردند. «وكان الصخر يضمّر، والمساء يذًا تقوّد...». در این سطر شعر نیز محمود درویش با ذکر مصادیقی از طبیعت بر این موضوع اشاره می‌کند که هر انسانی در نهایت به اصل و ریشه‌ی خود یا وطن خود بازمی‌گردد. در این ابیات به‌نوعی روحیه‌ی مقاومت و مبارزه‌طلبی را مشاهده می‌کنیم و اینکه شاعر در پی آن است احساسات خود را در قبال وطن و سرزمین خود بیان کند.

همچنین در ادامه‌ی شعر نیز در میان گفت‌وگوی پدر پیر این خانواده و خانواده‌ی خود شاعر امید و آرزوی خود را مبنی بر بازگشت به فلسطین از زبان این شخصیت‌ها بیان می‌کند:

«قال الشيخ منتعشاً: و كم من منزل في الأرض يألفه الفتى / قالت: ولكن المنازل يا أباي أطلال / فأجاب: تبنيتها يدان... / و لم يُتمّ حديثه، إذ صاح صوت في الطريق: تعالوا!»^۱

در بخش دیگری از شعر سوال دختر از پدرش مبنی بر اینکه آیا در خانه آب هست دال بر اطمینان آن‌ها از بازگشت به وطن و خانه‌ی خود است (شبلول، ۱۴۰۶: ۳۸):

«كان الجسر نعساناً، وكان الليل قبعه، وبعد دقائق يصلون / هل في البيت ماء؟»^۲.

محمود درویش در این شعر با زبان شعری خود به جنایات صهیونیست‌ها و ظلم و ستمی که بر فلسطینیان روا داشته‌اند اشاره می‌کند. این موضوع را هنگامی که سربازان اسرائیلی پدر پیر خانواده را به قتل می‌رسانند و جنازه‌ی او را در رود می‌اندازند و به دختر او ظلم می‌کنند بیشتر حس می‌کنیم:

«كانت مياه النهر أغزر... فالذين رفضوا / هناك الموت بالمجان أعطوا النهر لوناً آخر / والجسر، حين يصير تمثالاً، سيُصبغ - دون، ريب- بالظهيرة والدماء وخضرة الموت المفاجئ / ... و برغم أن القتل كالتدخين... / قذفته أمعاء السنين / كان الشيخ يسقط في مياه النهر... / والبنت التي صارت يتيمه»^۳.

محمود درویش در انتهای شعر خود نیز بار دیگر ظلم و ستم صهیونیست‌ها را آشکار می‌کند:

«كل الذين كتبوا عن الدم والجريمة: في هوامش دفتر التاريخ، قالوا / و من الحماقة أن يظن المعتدون / المرتدون ثياب شاه أنهم قتلوا الحنين»^۴.

عاطفه‌ی شاعر در این ابیات غم و نفرت است و درویش با بیان این عواطف افکار خود را به مخاطب خود القا می‌کند، همچنان که لحن شاعر نیز با این مفاهیم شعری همگام است.

^۱ شیخ با سرخوشی گفت: چند خانه در زمین است که این جوان با آن انس و عادت دارد / گفت: البته خانه‌هایی، ای پدر ویرانه‌ها / پاسخ داد: آن را دو دست ساخته... / و هنوز حرفش تمام نشده بود که صدایی در راه فریاد زد: بیایید.

^۲ پل خواب‌آلود بود / و شب‌کلاهی فرنگی بود / و از پس از چند دقیقه نماز می‌خوانند. آیا در خانه آب هست؟

^۳ آب‌های رودخانه فراوان بود... و کسانی که انکار کردند / آنجا مرگ با دیوانگی، به رودخانه رنگ دیگری دادند / و پل، زمانی که به تندبسی تبدیل می‌شود - بدون شک - با ظهر و خون‌ها و رنگ مرگ ناگهانی رنگ خواهد شد / و علیرغم اینکه قتل برایشان مانند سیگار کشیدن است... / روده‌های سال‌ها و روزگار او را پرتاب کردند / پیرمرد در آب‌های رودخانه می‌افتاد... / و دختری که یتیم شد.

^۴ تمام کسانی که درباره خون و جرم: در حواشی دفتر تاریخ نوشتند، گفتند / حماقت و نادانی است که گمان شود که متجاوزان / و کسانی که لباس شاه را پوشیده‌اند، غربت را کشته‌اند.

«قَدِّمُوا إِلَيْهِ... مَقَهْقَهين / لا تَقْتُلُوها... اَقْتُلُونِي / وَاخْذُوا فِداها / كَلَّ الحَديقَةُ، والنَقود / وَاكياسِ الطَّحِينِ / وَاذا أَرَدْتُمْ، فَاقْتُلُونِي».

عاطفه‌ی شاعر در این سطور شعری همچون سطور شعری گذشته غم و نفرت است و از این سطر شعری نوعی خشم نیز نسبت به صهیونیست‌ها برداشت می‌شود.

شاعر در شعر خود بارها از زبان این خانواده‌ی فلسطینی به عشق نسبت به میهن خود اشاره کرده است: «وَطَعْمُ الحَبِّ حِينَ يَكُونُ أَكْثَرَ مِنْ عِبَادَةٍ / هَذَا الجَسْرُ، مِنَ الجَسْرِ مَقْصَلَةُ الَّذِي ما زال يَحْلُمُ بِالوَطَنِ يَحْمِي الحُدُودَ مِنَ الحَنِينِ»^۱.

شاعر در این سطر شعری به گونه‌ای پل را نمادی از عشق به وطن قرار می‌دهد. در این سطور شعری اهمیت عشق به وطن در نزد فلسطینیان نیز بارز است.

۲,۳,۳. لایه‌ی بلاغی

بررسی در سطح ادبی توجه به بسامد لغاتی که در معانی ثانویه (مجاز) به کاررفته‌اند، مسائل علم بیان از قبیل تشبیه و استعاره و سمبل و کنایه، مسائل بدیع معنوی از قبیل ایهام و تناسب و به‌طور کلی زبان ادبی اثر و انحراف‌های هنری و خلاقیت ادبی در زبان است (شمیسا، ۱۳۷۳: ۱۵۸).

(۱) تشبیه

شاعر در عبارات شعری زیر از تشبیه استفاده کرده است: القتل کالتدخین... شاعر در این تصویر شعری با تشبیه مجمل، قتل را به سیگار کشیدن تشبیه می‌کند. قصد شاعر از این تصویر بیان سهولت قتل برای صهیونیست‌ها است.

هذا الجسر مقصلة الذي رفض التسول: در این تصویر پل به گیوتینی تشبیه شده است که هر نوع خواهش و التماس را برای عدم کشتن رد می‌کند. این تشبیه برای بیان مرگ هزاران فلسطینی بر روی پل است. الجسر یکبر کل یوم کالطریق: شاعر در این تصویر شعری پل را به راهی تشبیه کرده است که هر روز در حال گسترده و طولانی شدن است. این تصویر شعری برای بیان قتل‌هایی استفاده شده که در این پل برای دلتنگ شدن وطن رخ می‌دهد. این تشبیه از نوع تشبیه مجمل است.

و كان الليل قبة: در این سطر شعری شاعر شب را به کلاهی تشبیه کرده است. این تشبیه می‌تواند در جهت دربرگرفتن و پوشاندن شب برای فلسطینیان باشد همانطور که کلاه سر را در برمی‌گیرد.

(دو) استعاره‌ی مکنیه

به شکل کلی عنصر استعاره‌ی مکنیه بیش از سایر عناصر خیالی در این شعر محمود درویش دیده می‌شود. شاعر در همان ابتدای شعر از این عنصر بهره برده است تا مفهوم کلام خود را واضح‌تر و زیباتر به مخاطب خود برساند:

^۱ و طعم عشق زمانی که بیشتر از عبادت می‌شود/ این پل، گیوتین کسی است که همواره رؤیای وطن را دارد که مرزها از غرب در امان باشد.

و المساء یلداً تقوُّدُ... محمود درویش در این بخش از شعر خود شبانگاه را به شخصی راهنما تشبیه می‌کند که با دست خود راه را نشان می‌دهد. از آنجایی که مستعارمنه حذف شده است استفاده‌ی شاعر از استعاره‌ی مکنیه واضح است. و کان النهر یبصق ضفّتیته: در این سطر شعری شاعر با تشبیه رودخانه به انسانی که آب دهان خود را به کناری می‌اندازد و حذف مستعارمنه از استعاره‌ی مکنیه استفاده کرده است. در واقع شاعر از این تصویر برای نمایش رعب و وحشت در هنگام بازگشت فلسطینیان استفاده کرده است. از این تصویر شعری آرایه‌ی تشخیص نیز برداشت می‌شود. و هجرة الدم: شاعر برای به تصویر کشیدن درد فلسطینیان از این تعبیر استفاده کرده است و در واقع خون را چون انسانی به تصویر کشیده که هجرت کرده است.

کان الجسر نعباناً: شاعر در این تعبیر پل را همچون انسانی خواب‌آلود به تصویر کشیده است و با حذف مشبه‌به از استعاره‌ی مکنیه استفاده کرده است. شاعر از این تعبیر در حقیقت برای بیان ظلمی که به این خانواده‌ی فلسطینی در روی پل شده استفاده کرده است. از این تصویر آرایه‌ی تشخیص نیز برداشت می‌شود.

هذا الجسر، من الجسر مقصلةً الذی ما زال یحلم: در این سطر شعری پل به گیوتینی تشبیه شده است که همچنان رؤیای وطن را می‌بیند. این استعاره به جهت بیان دغدغه و عشق به وطن از جانب شاعر است.

الطلقة الأولى أذاحت عن جبین اللیل؛ قبة الظلام: شاعر در این سطر شعری با تصویر شلیک کردن سربازان صهیونیست که تاریکی را از چهره‌ی شب می‌زداید مفهوم کلام خود را رسانده است که آن به جهت آشکار بودن ظلم صهیونیست‌ها است.

سه) کنایه

در این قصیده شاعر در سطور شعری زیر از کنایه استفاده کرده است:

لن یمر العائدون: قصد شاعر از بیان این عبارت شعری این است که بازگشتگان به وطن (فلسطینیان) به دست صهیونیست‌ها کشته خواهند شد. شاعر با استفاده از کاربرد کنایه از موصوف در تلاش است تا جایگاه حقیقی فلسطینیان را بارز کند و نشان دهد صاحب حقیقی فلسطین چه کسی است.

یحمی الحدود من الحنین: قصد شاعر از کلمه‌ی حنین در این عبارت در حقیقت ظلمی است که به فلسطینیان روا داشته می‌شود. شاعر با کاربرد کنایه از صفت تلاش کرده است تا مفهوم ظلم صهیونیست‌ها را پررنگ‌تر کند.

القتل کالتدخین: قصد شاعر از این عبارت آسانی و سهولت قتل انسان‌ها برای صهیونیست‌ها است. در این بیت شعری، شاعر با استفاده از کنایه از صفت، نشان می‌دهد صهیونیست‌ها برای رسیدن به اهداف خود و غضب فلسطین از هیچ اقدامی فروگذار نمی‌کنند.

هذا الجسر، من الجسر مقصلةً: هدف محمود درویش از این عبارت بیان کشتار وسیع فلسطینیان بر روی این پل به دست صهیونیست‌ها است. شعر با استفاده از کنایه بعید در تلاش است عنوان شعر خود را در این بیت شعری واضح‌تر کند و نشان دهد این همان پلی است که فلسطینیان بر آن به وسیله صهیونیست‌ها کشته می‌شوند و به وطن خود نمی‌رسند.

چهار) رموز

شاعر در این قصیده تکیه‌ی فراوانی بر رمز داشته است که بررسی آن اهمیت فراوانی دارد. «الجسر» به شکل کلی رمزی برای وصل کردن است، اما در این قصیده شاعر با انتخاب این عنوان برای قصیده‌ی خود و تکرار ده باره‌ی آن به عنوان نمادی برای مرگ بهره برده است. علت این موضوع همان مسئله است که صهیونیست‌ها بر روی این پل فلسطینیان را به قتل می‌رسانند و مانع رسیدن آن‌ها به وطنشان می‌شوند.

در این قصیده واژه‌ی «الطریق» نمادی برای بازگشت در نظر گرفته شده است. همچنین تکرار چندباره‌ی واژه‌ی «اللیل» به عنوان رمزی برای پوشاندگی در نظر گرفته شده است. بیان عبارت‌های «مشیا علی الاقدام» و «زحفا علی الایدی» به عنوان رمزی برای اصرار به بازگشت به میهن از سوی شاعر به کار گرفته شده است.

«الصخر یضم» رمزی است از سوی شاعر برای بیان این موضوع که طبیعت انسان متمایل به بازگشت به وطن خود است. واژه‌ی «دم» سمبلی از مرگ و کلمه‌ی «مصیده» رمز زندان است، همچنان که واژه‌ی «بید» رمزی برای گمراهی و سرگردانی است. شاعر تلاش کرده است با استفاده از این سمبل‌ها به مخاطب خود القا کند که فلسطینیان در راه رسیدن به وطن خود ممکن بوده است که راه را گم کنند یا با مشکلات زیادی روبه‌رو شوند و حتی کشته شوند، اما روح مبارزه و ایستادگی در آن‌ها هیچ‌گاه نمی‌میرد.

«قرآن» و «یصلون» هر دو واژگانی برای معرفی اسلام و سمبل دین اسلام هستند. شاعر با استفاده از این نمادها نشان داده است که روح ایمان و استعانت از خدا برای بازیابی آزادی هم‌میهنانش الزامی است. واژه‌ی «الصخور» رمز صلابت و استواری است که می‌توان آن را نشان‌دهنده قصد شاعر مبنی بر استواری در جهت مبارزه با صهیونیست‌ها بیان کرد. واژه‌ی «النهر» رمزی برای فراوانی خون فلسطینیان از سوی شاعر در نظر گرفته شده است. شاعر با بیان این سمبل سعی دارد نشان دهد که فلسطینیان زیادی صرفاً به جهت تلاششان برای رسیدن به وطن خود و به دست آوردن آزادی‌شان به دست صهیونیست‌ها کشته شده‌اند.

۳. نتیجه‌گیری

با بررسی سبک‌شناسانه‌ی این شعر به نتایج زیر می‌رسیم:

- در بخش زبانی با بررسی آواهای این شعر چه در موسیقی بیرونی و چه در موسیقی درونی به این نتیجه رسیدیم که انتخاب حروف، قافیه و وزن قصیده متناسب با قصد شعری و عواطف شاعر بوده و شاعر متناسب با مفهوم شعری خود از هریک از این عناصر سبک‌ساز آوایی بهره برده است.

- در بخش لغوی، تکرار یکی از عناصر جداناپذیر این قصیده است و این عنصر در واژگانی که برای شاعر حائز اهمیت بوده است صورت گرفته است. همچنین بیشتر واژگانی که از سوی شاعر به کار گرفته شده، دلالت بر زندگی و تجدد دارند که این موضوع بر امید شاعر برای بازگشت به وطن دلالت می‌کند.

- در سطح نحوی، اسالیب خبری بیش از اسالیب انشایی بودند. همچنین فعل‌های مضارع با ۵۵۷٪ درصد بیش از فعل‌های ماضی توسط شاعر به کار گرفته شده‌اند که دلالت بر استمرار حرکت فلسطینیان برای بازیافتن آزادی خود دارد.

- به صورت کلی افکار این شعر در سه محور امید و اصرار به بازگشت به وطن، آشکار کردن جنایات صهیونیست‌ها و عشق به وطن بیان شده‌اند. شاعر زبان شعری خود را متناسب با بیان هر یک از این افکار قرار داده است. عنوان قصیده نیز این مفاهیم شعری را آشکار کرده است.

- شاعر در سطح ادبی از عنصر استعاره‌ی مکینه بیش از سایر عناصر خیالی چون تشبیه استفاده کرده است. علت این موضوع را می‌توان در تلاش شاعر در جهت تکیه بر این موضوع در جهت نمایان کردن ابعاد گوناگون ظلم و ستم صهیونیست‌ها و قتل فلسطینیان با استفاده از عناصر ادبی و خیالی جست‌وجو کرد. رمز نیز عنصر جدانشدنی این قصیده است. شاعر از رمز در جهت رساندن افکار خود به مخاطب استفاده کرده است. این افکار در جهت مفهوم وطن و آزادی هم‌وطنان خود است.

- شاعر زبان شعری خود را متناسب با بیان افکار خود قرار داده است و برای تبیین هر یک از این مفاهیم و افکار، زبان و ادب را به خدمت خود می‌گیرد و آن پیام را به مخاطب خود می‌رساند.

فهرست منابع

۱. کتاب‌ها

الزمخشری جارالله، أبو القاسم محمود بن عمرو بن أحمد (۱۹۹۸)، **أساس البلاغة**، تحقیق محمد باسل عیون السود، بیروت، دارالکتب العلمیة.

درویش، محمود (۲۰۰۵)، **الديوان: الأعمال الأولى**، بیروت، ریاض الریس للکتب والنشر.

درویش، محمود (لاتا)، **محمود درویش الأعمال الكاملة**، إعداد علی موه، منتدى مكتبة الإسكندرية.

شکری، عالی (۱۹۷۹)، **أدب المقاومة**، بیروت، دارالآفاق الجديده.

حسام پور، سعید و حاجبی، احمد (۱۳۷۸)، **سهم ادبیات پایداری در کتاب‌های درسی**، تهران، بنیاد حفظ و نشر ارزش‌های دفاع مقدس.

داد، سیما (۱۳۸۵)، **فرهنگ اصطلاحات ادبی: واژه‌نامه‌ی مفاهیم و اصطلاحات ادبی فارسی و اروپایی (تطبیقی و توضیحی)**، تهران، مروارید.

شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۶۸)، **موسیقی شعر**، تهران، آگاه.

شمیسا، سیروس (۱۳۷۳)، **کلیات سبک‌شناسی**، تهران، فردوس.

کادن، جان آنتونی (۱۳۸۷)، **فرهنگ توصیفی ادبیات و نقد**، ترجمه‌ی کاظم فیروزمند، تهران، شادگان، چاپ دوم.

میرصادقی، میمنت (۱۳۸۸)، **واژه‌نامه‌ی هنر شاعری: فرهنگ تفصیلی اصطلاحات فن شعر و سبک‌ها و مکتب‌های آن**، تهران، کتاب مهناز، چاپ چهارم.

۲. پایان‌نامه‌ها

طیبه، فتن و مسعودی، لویزه (۲۰۱۵)، «قصیده بطقه هویة لمحمود درویش-مقاربه اسلوبیة»، مذكرة مقدمة لنیل شهادة لیسانس، جامعه اکللی محند اولحاج-البویره.

۳. مجلات

اسکندری، عبدالمجید (۱۳۷۶)، «ادبیات مقاومت»، **کیهان فرهنگی**، بهمن، ش ۱۳۹، صص ۷۹-۸۱.

خاقانی اصفهانی، محمد و اکبری موسی آبادی، مریم (۱۳۸۹)، «سبک شناختی قصیده‌ی «لاعب النرد» محمود درویش»،

مجله‌ی علمی انجمن ایرانی زبان و ادبیات عربی، زمستان، دوره‌ی ۶، شماره‌ی ۱۷، صص ۱۲۹-۱۵۸.

رحمانی راد، حسن؛ آباد، مرضیه و ایمانیان بیدگلی، میثم (۱۳۹۳)، «سبک‌شناسی سروده‌های محمود درویش»، **ادب عربی**، پاییز و زمستان، سال ششم، شماره‌ی ۲، صص ۱۳۳-۱۵۶.

رستم پورملکی، رقیه (۱۳۸۴)، «التناص القرآنی فی شعر محمود درویش»، **مجله‌ی انجمن ایرانی زبان و ادبیات**

عربی، ش ۳، صص ۱۵-۳۴.

شبلول، احمد فضل (۱۴۰۶)، «جسر من اللحم البشري المفتت قراءة فی قصیده «الجسر» للشاعر محمود درویش»، **ابداع**،

رمضان، العدد ۶، صص ۳۳-۴۴.

عایب، فاطمه الزهراء (۲۰۱۷)، «قراءة سيميائية دلالية في أطوار أنات للشاعر محمود درویش»، **جیل الدراسات الادبية و الفكرية**، العدد ۳۰، صص ۱۱۵-۱۲۶.

محمودی، مریم و هاشمی، زینب السادات (۱۳۹۵)، «بررسی مضامین پایداری در شعر محمد مهدی جواهری و مجموعه‌ی سرود درد حمید سبزواری»، **فصلنامه‌ی مطالعات ادبیات تطبیقی**، شهرپور، دوره‌ی ۱۰، ش ۳۸، صص ۷۱-۸۷.

نظری، راضیه و نجفی ایوکی، علی (۱۳۹۸)، «نشانه‌شناسی سروده‌ی «قصیده‌ الأرض» محمود درویش با تکیه بر نظریه‌ی نشانه‌شناسی گریماس»، **فصلنامه‌ی پژوهش‌های ادبی و بلاغی**، خرداد، دوره‌ی ۷، ش ۲۶، صص ۷۷-۹۸.



A stylistic study of Mahmoud Darwish's poem "Al-Jasr" based on sustainability literature

Stylistics is a methodical science that emphasizes the understanding of the text and aims to discover the aesthetic values of the structure of the text using its lexical aspects and by comprehending the relationships between its inner components. The poem 'Aljasar,' by Mahmoud Darwish, includes topics such as insisting on returning to the homeland, revealing the crimes of Zionists, and remembering the tragedies Palestinians endure. This study aims to analyze and evaluate this poem based on three features of linguistic, cognitive, and literary stylistics, using a descriptive analysis method. Regarding the linguistic features, the beauties of this poem are evaluated by analyzing its music and words. Moreover, in literary analysis, elements of a poem such as metaphor, irony, and symbols are evaluated to explain the most crucial principles of the thoughts of the poet. Finally, by analyzing these features, we have concluded that the poet has aligned his poetic language with the statement of his thoughts and exploits language and literacy as means for stating his thoughts. The poet employs all capacities of the language to inspire the resistance of Palestinians against Zionists to take back their homeland.

Keywords: Stylistics , Mahmoud Darwish, Resistance literature, Aljasar,, homeland

پښتونستان ښار
پښتونستان ښار
پښتونستان ښار